

# بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه اخلاص

استاد ضرابی مرداد ۱۳۹۹

جلسه دوم

آیه شریفه: «قل هو الله احد»

## عنوان: «قُل»: خطابات عام قرآن کریم

خطابات قرآن کریم، هر چند در ظاهر، متوجه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است، ولی مفهوم عامی دارد که شامل همهٔ مسلمانان می‌شود (جز موارد معدودی که دلیل بر اختصاص آن به حضرت وجود دارد.)

در خطاب‌های الهیه و مطالب قرآنی، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) عنوان آئینه و مرآت برای خطاب به جمیع امت، و بلکه به جمیع مردم جهانند؛ و در حقیقت خطاب به مردم می‌شود و مخاطب به خطاب‌های قرآن، خود مردم هستند، منتهی از دریچه و آئینه نفس رسول الله که به جهت سعه و گشایش، تمام افراد امت بلکه تمام افراد بشر را در زیر پوشش علم و احاطه وجودیه و ادراکیه خود گرفته است.

و آیه مبارکه: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ - وَ مَا ذِكْرَ رَا بَسُو ی تو فرو فرستادیم، بجهت آنکه برای مردم روشن کنی و بیان کنی آنچه را که بسوی آنان فرو فرستاده شده است.» (نحل/۴۴) بر این مطلب شهادت می‌دهد.

## عنوان: آیا می‌شود «قُل» را حذف کرد؟

شاید به نظر برسد که آنچه رسول خدا بدان امر شده است خود قول نیست، بلکه مقول قول است. یعنی چون به رسول الله خطاب شده: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» پیغمبر مأمور است که بگوید: «هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» نه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» مانند اینکه کسی به ما بگوید به مردم بگو خدا یکی است! ما باید در میان مردم برویم و بگوئیم: «خدا یکی است.» نه آنکه بگوئیم: «بگو: خدا یکی است.»

اما باید توجه داشت که او امر الهیّه در قرآن وحی آسمانی است؛ و بدون کم و بیش- حتّی یک کلمه و یک حرف- باید آن وحی را بازگو کرد و این معنای قرآنیّت (کلام خدا) است. اگر پیامبر لفظ «قُلْ» از آن انداخته و بگوید: «هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» دیگر آن قرآن نیست، و کلام خدا نیست؛ بلکه کلام پیغمبر است که می‌گوید: خدا یگانه است. بنابراین، قرآن عین آنچه را که به رسول الله خطاب شده است بیان می‌کند.

### عنوان: خطاب قل با انسان چه می‌کند؟

باید خطاب حضرت حق را در کلمه «قل» دائماً بر قلب کوبید و آن را به حرکت درآورد و از او دائماً خواست که: بگو، بگو، بگو... قل هو الله احد...

جسم خاک از عشق بر افلاک شد کوه در رقص آمد و چالاک شد

عشق جان طور آمد عاشقا طور مست و «خرّ موسی صعقا»

قل بعنوان یک امر تشریعی معنای معلومی دارد؛ دستوری است که انسان آن را به عنوان امری واجب با اراده خود بجا می‌آورد.

اما به معنای قل در بعد تکوینی آن کمتر توجه می‌شود «إنما امره إذا أراد شيئاً أن يقول له كن فيكون - امر خداوند چنین است که وقتی چیزی را اراده می‌کند تنها می‌گوید باش پس می‌شود.» (یس ۸۲)

که مراد از «أن يقول له كن» دیگر لفظ نیست بلکه «كن» وجودیست که بی‌درنگ تحقق می‌یابد. بنابراین «قل» در این بعد به فطرت توحیدی و میل باطنی به توحید و سیر بسوی او، تبدیل می‌شود. فطرتی که خلقت موجودات بر اساس آن استوار است. «فاقم وجهك للدين حنيفا فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله...» (روم ۳۰)

امام صادق ع در تفسیر این آیه شریفه که خداوند فرمود «رو به سوی دینی کن که حنیف است...» فرمود «ای فطرهم علی التوحید» (توحید صدوق ص ۳۳۰ / ب ۵۳ / ح ۸)

ای دوست به عشق تو دچاریم همه در یاد رخ تو داغداریم همه

گر دور کنی یا بپذیری ما را در کوی غم تو پایداریم همه

این جذبه خداست در دل های عاشقان در وجود همه ی موجودات

### عنوان: انطباق این امر تشریعی با امر تکوینی

به نظر امام خمینی ره: « انسان به تنهایی واجد همه مراتب غیب و شهادت است و با آن که ذاتش بسیط است جامع همه کتاب‌های الهی است؛ » ( شرح دعای سحر، ص ۱۴۵ )

با گوش جان سپردن به حکم تشریعی خداوند، انسان به اعماق وجودش سفر می‌کند و در آئینه فطرت، پروردگارش را می‌نگرد که تنها مقصد و مأوای اوست. وقتی انسان این سیر و سفر را در وجود خودش می‌بیند که جز او هیچ نمی‌خواهد و هیچ نمی‌بیند.

|                               |                             |
|-------------------------------|-----------------------------|
| ای جود تو سرمایه و سود همه کس | وی ظل وجود تو وجود همه کس   |
| گر فیض تو يك لحظه بعالم نرسد  | معلوم شود بود و نبود همه کس |